

جایگاه مادر در اندیشه دینی

شکی نیست که مادر از هر جهت مقام ارجمند و والایی در همه ادیان داشته و دارد و همگان با دید احترام به او می نگرند و به عظمت و بزرگی از وی یاد می کنند.



شکی نیست که مادر از هر جهت مقام ارجمند و والایی در همه ادیان داشته و دارد و همگان با دید احترام به او می نگرند و به عظمت و بزرگی از وی یاد می کنند. هر دین و آیینی که در طول تاریخ آمده به این مسئله توجه کرده و مردم را به خدمت به مادر فراخوانده است. همان گونه که دین نسبت به سایر پدیده های عالم اظهار نظر می کند، جهان را آن گونه که هست به ما می نمایاند و در امور ارزشی ارزش ها را معرفی و در مورد آن ها ارزش گذاری و داوری می نماید؛ درباره مادر و مقام و جایگاه او نیز ساکت نبوده، بلکه عنوان مادری را جایگاه بس والا و ارزشمند دانسته، مقام وی را گرامی می دارد. ادیان مختلف با همه اختلافاتی که دارند در این زمینه اتفاق نظر داشته و همه با دید احترام به مادر می نگرند و مقام مادر را از مقام هر کس دیگر برتر و بالاتر می دانند. در این جا ابتدا مقام مادر را در ادیان گذشته بررسی می کنیم، سپس به جایگاه او در دین اسلام اشاره می نمایم.

1- ادیان گذشته

به هر دین و آیینی که نظر کنیم و متون مربوط به آن را با دقت بخوانیم، در خواهیم یافت که آن دین نگاه خاصی به مادر دارد و احترام و تعظیم او را واجب می داند. انبیای گذشته ضمن این که به احترام نهادن به مادر توصیه می کردند، قبل از همه خود در مقابل مادر تکریم نموده برایش طلب رحمت و مغفرت می کردند. ابراهیم خلیل (علیه السلام) برای پدر و مادرش دعا می کند و از خدا می خواهد که آن ها را مورد غفران و آمرزش قرار دهد: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ «پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب بر پا می شود، بیامرز.» این دعای ابراهیم افزون بر این که نشان دهنده بزرگی شأن و مقام مادر است، جنبه تربیتی نیز دارد؛ چرا که به پیروان مکتب توحید می آموزد که این گونه برای پدر و مادرشان دعا کنند. بنابراین، در دین ابراهیم خلیل (علیه السلام) که دین حنیف و خالص بود، مادر از مقام بالایی برخوردار بوده و جایگاه خاصی نزد او داشته است.

هم چنین در آیین موسای کلیم (علیه السلام) مقام مادر بس عظیم و بزرگ بوده و فرزندان خدمت کار به مادر همنشینان بهشتی پیامبران می شده اند. حضرت موسی (علیه السلام) هنگام مناجات با خدا، از خداوند درخواست کرد که همنشین وی را در بهشت برایش معرفی کند تا او را بشناسد. خطاب آمد، ای موسی! در فلان ناحیه، کوچه فلان و فلان مغازه برو، کسی که در آن جا مشغول کار است او رفیق تو در بهشت خواهد بود.

حضرت موسی (علیه السلام) سراغ او رفت، دید جوانی است قصاب. از دور مراقب بود تا ببیند او چه عمل شایسته ای دارد. اما چیز فوق العاده ای از او مشاهده نکرد. شب هنگام که جوان محل کار را ترک می کرد، موسی بدون آن که خود را معرفی کند، نزد جوان آمد و از او خواست تا شب را مهمانش باشد. حضرت موسی می خواست بدین طریق رمز کار او را به دست آورد و ببیند آن جوان چه عبادت هایی در خلوتگاه انجام می دهد که این قدر درجه پیدا کرده و همنشین پیامبر خدا شده است.

جوان همین که وارد منزل شد قبل از هر چیز غذایی آماده کرد، آن گاه سراغ پیر زنی از کار افتاده رفت که دست و پایش فلج شده، قدرت حرکت و جا به جا شدن را نداشت. با صبر و حوصله غذا را لقمه لقمه به دهانش گذاشت، او را شست و شو داد، لباسش را عوض کرد و سر جایش گذاشت. موسی هنگام خدا حافظی خود را معرفی کرد؛ پرسید این زن کیست و پس از آن که به وی غذا می دادی نگاهی به سوی آسمان می انداخت و کلماتی بر زبان جاری می کرد، چه بود؟

گفت این زن مادرم است و هر بار که به او غذا می دهم و او را سیر می کنم درباره من دعا می کند و می گوید: خدایا او را همنشین موسی بن عمران در بهشت برین قرار بده. موسی به جوان مژده داد که دعای مادر درباره تو مستجاب گردیده است.»

مقام مادر در دین حضرت عیسی (علیه السلام) به حدی است که وی در آغاز زندگی شکر خدا می گوید و نخستین بار این نکته را یاد آور می شود و از خدا تشکر می کند که او را نسبت به مادرش نیکوکار قرار داده است؛ چون او می داند که نیکی به مادر بالاترین ارزش را دارد: «و بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا»؛ «مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است.» حضرت مسیح که بدون پدر از مادر متولد شد، صرف این که نیکی به مادر را از امتیازات خود بر می شمرد. دلیل روشنی است بر اهمیت مقام مادر در نزد وی، وگرنه عیسی به عنوان فرستاده خدا افتخاراتی بسیار داشت و می توانست آن ها را در مقام شکر گذاری متذکر شود.

هر چند همه ادیان الهی مقام ارزشمندی برای مادر قایلند و به او احترام می‌گذارند، ولی اسلام بیش از دیگر مکاتب به این مسئله توجه نموده و به مادر عظمت بخشیده است. حقوقی را که اسلام برای مادران مشخص کرده، بسیار فراتر از حقوقی است که برای دیگران حتی پدر قایل شده است؛ چرا که مادر مربی انسان و در حقیقت پرورش دهنده جامعه است و اوست که می‌تواند فرد و جامعه را به سعادت برساند و یا به شقاوت و بدبختی بکشاند. در این جا لازم است تا جایگاه مادر را به طور فشرده و خلاصه از منظر قرآن و احادیث اسلامی بررسی کنیم:

1. قرآن کریم: کلمه مادر به اشکال مختلف، به صورت مفرد و جمع مانند: «أُمٌّ» و «والدتی» «أُمُّ موسی» «والدات» و «أمّهات» و امثال آن، فراوان در قرآن آمده است. هم چنین مادر و پدر به هیئت تثنیه مانند «والدین»، و «ابوی» مکرر در این کتاب آسمانی به کار رفته است. اگر با دقت در این موارد نگاه کنیم، می‌بینیم که خداوند در هر یک از آن آیات، با عظمت و بزرگی از مادر یاد کرده و به نوعی از مقام او تمجید نموده است. چرا که وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی، اظهار ارادت و نیکویی عیسی به مادر، بیان زحمات و رنج‌های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور حق تعالی به احسان و نیکی نسبت به پدر و مادر، همه گواه بر رفعت جایگاه مادر است.

خدای تعالی در سوره لقمان و احقاف پس از توضیح به احسان والدین، تحمل رنج و زحمت‌های مادر را بیان می‌کند و می‌فرماید: «حملته امّه کرها و وضعته کرها و فضائه ثلاثون شهرا حتّی اذا بلغ أشده و بلغ اربعین سنة»؛ «مادرش او (فرزند) را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد.» بیان رنج و تلاش مادر با این که پدر نیز در اغلب سختی‌های تربیت فرزند شریک است، خود دلیل بر اهمیت و ارزش کار مادر است. روشن است، کسی نزد حق تعالی مقام بالاتر دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد.

نکته قابل توجه در آیات مربوط به احسان پدر و مادر این که خداوند ابتدا به نیکی کردن نسبت به پدر و مادر هر دو دستور می‌دهد، سپس بدون ذکر زحمات پدر، مشکلات و ناراحتی‌های مادر را بیان می‌کند. گویی، مادر عامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او آن قدر ارزشمند است که احسان به پدر را نیز بر فرزند واجب می‌سازد. اگر نبود صبر و پایداری مادر، در برابر سختی‌های دوران بارداری و پذیرش ناگواری‌های طاقت فرسای دوره شیر دهی و تربیت فرزند، شاید به این قطع و حتم به احسان والدین به صورت مطلق حکم نمی‌شد. تا آن جا که مسئله نیکی به پدر و مادر در قرآن کریم هم طراز با عبادت خدای متعال به حساب آمده است.

2- سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله): منظور از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفتار و سیره آن حضرت می‌باشد که در قالب کلام و رفتار از ایشان به یادگار مانده است. شخصیت، مقام و رعایت حقوق مادر در احادیث نبوی و سیره نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به خوبی بیان شده است. از آن جا که از منظر مکتب تشیع به لحاظ حجیت و سندیت هیچ تفاوتی میان سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و قول و سیره امامان معصوم (علیهم السلام) وجود ندارد، از این رو برای تبیین بهتر موضوع، افزون بر کلام و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از بیان و رفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز بهره خواهیم برد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تبیین مقام مادر می‌فرماید: الجنته تحت اقدام الامّهات؛ بهشت زیر پاهای مادران است. این حدیث حاکی از این است که بدون رضایت مادر نمی‌توان به بهشت و نعمت‌های بهشتی دست یافت. اگر کسی بخواهد به درجات عالیّه جنت و رضوان نایل گردد، باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کند. این همه ارج نهادن به مقام مادر شاید به خاطر زحماتی است که مادر متحمل می‌شود. تحمل رنج و زحمت دوره بارداری و کودکی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند از مشکلات طاقت فرسایی است که مادر می‌تواند بپذیرد. طبیعی است که خداوند در قبال صبر و بردباری مادر، اجر و مزد بی‌پایان به او عنایت می‌کند. قرآن کریم به رنج و زحمت مادر اشاره کرده می‌فرماید: «حملته امّه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهرا»؛ «مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و مدت حمل و از شیر باز گرفتنش سی روز است.» به قول معروف هر که بامش بیش، برفش بیش تر. مادر نسبت به تربیت فرزند مشکلات زیادی را متحمل می‌شود و طبعا پاداش زیادتری را نیز مستحق می‌گردد.

جنان در زیر گام مادران است

بکش بر دیده، خاک زیر گامش

مکن بر روی او تندی که بر تو

(خسرو)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: جوانی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد، عرض کرد: یا رسول الله! به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. دوباره سوال کرد، فرمود: به مادرت. مرتبه سوم پرسید. فرمود: به مادرت. مرتبه چهارم سوال نمود پس از آن به کی نیکی کنم؟ فرمود: به پدرت.

جایگاه مادر و ارزش نقش مادری از این گفتار پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به روشنی قابل درک و فهم است و این که حضرت سه بار به نیکی کردن نسبت به مادر دستور می دهد و نوبت چهارم به احسان پدر سفارش می کند؛ بهترین دلیل بر عظمت شأن مادر می باشد. از این بیان حضرت استفاده می شود که فعالیت های مادر، از آغاز انعقاد نطفه فرزند تا پایان دوره تربیت او چند برابر کار پدر ارزشمند است و از این رو حق مادر بر فرزند نیز بیش تر از حق پدر می باشد.

سیره و رفتار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت به مادر و دایه های شان که به نوعی حق مادری به عهده آن حضرت داشتند، نیز نشان دهنده احترام ویژه ایشان از مقام مادر است. به نوشته تاریخ نویسان، پیامبر بیش از سه روز از شیر مادر ننوشید و پس از آن طبق سنت عرب به دایه سپرده شد و در دامن دایه هایی چون ثویبه (کنیز ابوجهل) و حلیمه سعدیه پرورش یافت. حضرت در طول زندگی همیشه به یاد مادران رضاعی خود بود و از هر جهت به آنان کمک می کرد. پس از بعثت پیامبر کسی را فرستاد تا ثویبه را از ابوجهل بخرد، ولی او حاضر به فروش وی نشد. اما او تا آخر عمر از کمک های حضرت بهره مند بود. زمانی که پیامبر خبر مرگ ثویبه را شنید، آثار تألم و اندوه در چهره مبارکش نمایان شد.

سیره پیامبر در احترام نسبت به مادرش آینه و احترام فوق العاده نسبت به وی، بهترین دلیل بر عظمت مقام مادر است. به نوشته تاریخ نگاران، پیامبر همراه مادر جهت زیارت تربت پدرش عبدالله به سفر یثرب رفتند. هنگامی که در سرزمین ابواء - نزدیک مدینه - رسیدند، آینه بیمار شد و به تدریج وضعش رو به وخامت نهاد و کم کم آثار مرگ در وی پدیدار گشت. پیامبر در آخرین لحظات زندگی مادر، صورت خود را به صورت او گذاشت و با حالت غم و اندوه به چهره مادر نگاه می کرد و می گریست. همراهان هر بار او را از جسد مادر جدا می کردند، دوباره خود را روی جنازه مادر می انداخت و ناله می کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از وفات مادر همواره به یاد او بود و به زیارت مزارش می آمد. روزی بر سر مزار مادر آمد، دو رکعت نماز خواند، سپس ندا داد مادر! قبر شکافته شد، آینه در میان قبر نشست بود و می گفت: «اشهد أن لا اله الا الله و انک رسول الله». حضرت از مادر سؤال کرد: امامت کیست؟ گفت: فرزندانم! امام تو کیست؟ پیامبر فرمود: اینک امام تو علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. آینه به ولایت علی (علیه السلام) شهادت داد و به جایگاهش برگشت.

این رفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حال حیات و پس از وفات آینه، نشان دهنده عظمت، منزلت و مقام عالی مادر است؛ چرا که افضل موجودات عالم، یعنی وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همانند یک انسان خاضع، در برابر مادر زانوی ادب بر زمین می زند و با دید احترام به او نگرسته، از او تعظیم به عمل می آورد. سرانجام می خواهد مادرش با ایمان هر چه کامل تر در قیامت محشور گردد، شهادت به ولایت علی (علیه السلام) را به او تلقین می کند. این سیره پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای همه مسلمانان دنیا درس بزرگ است و در رفتار با مادر، باید به آن حضرت تأسی کرد و از سیره او درس آموخت.

3. سیره و گفتار امامان معصوم (علیهم السلام): سخنان ائمه اطهار (علیهم السلام) و نیز سیره آن بزرگواران در تبیین جایگاه و منزلت مادر، خیلی زیاد است که نمی توان به بررسی همه آن ها پرداخت در این جا لازم است به عنوان نمونه به برخی از گفتار و رفتار ایشان در این زمینه اشاره کنیم.

امام علی بن الحسین (علیه السلام) در باب حق مادر و عظمت و منزلت او می فرماید: «و أما حق أمک أن تعلم أنها حملتک حیث لا يتحمل احدٌ احدًا، و أعطتک من ثمره قلبها ما لا يعطى احدٌ احدًا و وقتک بجميع جوارحها و لم تبال أن تجوع و تطعمک و تعطش و تسقیک و تعری و تکسوک و تضحی و تهجرک النوم لاجلک و وقتک الحرّ و البرد لتکون لها فإتک لا تطیق شکرها الا بعون الله و توفیقه؛ «حق مادر بر تو این است که بدانی او تو را حمل نمود، آن گونه که هیچ کس، دیگری را حمل نمی کند؛ و از میوه قلبش به تو داد که احدی به دیگری نمی دهد؛ تو را با جمیع اعضاء و جوارحش در آغوش گرفت و باکی نداشت از این که گرسنه باشد در حالی که تو را می پوشاند و در آفتاب باشد تا تو را در سایه نماید و خواب را به خاطر تو ترک نمود و تو را از سرما و گرما محافظت نمود و تو در برابر این همه خدمت، کجا می توانی شکر گزار او باشی، مگر به کمک و یاری و توفیق پروردگار.»

این کلام امام سجاد (علیه السلام) که به زبان تبیین حقوق ارائه شده، نشان دهنده عظمت و بزرگی مقام مادر است. چرا که حضرت با بیان این نکته که فرزند بدون استعانت و کمک از خدای متعال قادر به ادای حقوق مادر نخواهد بود، در حقیقت خواسته به نوعی رفعت مقام مادر را برای فرزندان تبیین کند و آنان را در خدمت کردن به مادر ترغیب نماید.

این مسئله به لحاظ تربیتی نیز دارای اهمیت است که انسان همیشه و در هر کار، به ویژه در خدمت رسانی به مادر و جلب رضایت وی از خدا کمک بجوید و با اتکاء به امدادهای او انجام وظیفه کند و بر مشکلات زندگی فایق آید. برداشت تربیتی ای که از این گفتار امام (علیه السلام)، می توان به دست آورد این است که فرزند باید همواره شکر گزار رنج و زحمت های مادر باشد و تمام توان و قدرت و رشادت خویش را از او دانسته، خود را دایم مدیون مادر بداند.

این کلام امام (علیه السلام) عین واقعیت است که مادر، فرزند را به مراتب بیش از جانش دوست می دارد و تمام مشکلات را به جان می خرد تا او در آسایش باشد. طبیعی است که این همه عشق و علاقه به فرزند و تحمل سختی های فراوان برای تربیت فرزند، حق بزرگی به عهده فرزند می گذارد که می بایست در جهت ادای آن تلاش کرد. از این جاست که خداوند می فرماید: «فلا تقل لهما أفًا»؛ «در برابر آنها (پدر و مادر) اف مگو.» مبادا! قلب مادر را بشکنی و خود را عاق وی نموده، مورد خشم خدا قرار گیری که خشم مادر قهر خدای تعالی را به همراه دارد.

سیره معصومان (علیهم السلام) و برخورد آن بزرگواران با مادرانشان و تعظیم در برابر نام مادر بیانگر علو مقام و منزلت مادر است. یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) با چهره گرفته و حالت غم و اندوه بر حضرت وارد شد. امام فرمود: علت حزن و اندوهت چیست؟ عرض کرد همسرم دختر آورده است، از این جهت ناراحتم. فرمود: نامی برایش انتخاب کرده ای؟ گفت: فاطمه نام کردم. امام با شنیدن نام فاطمه، دست خود را به احترام بالای پیشانی نهاد و آه عمیقی از دل کشید، سه بار آن را تکرار نمود و سپس به وی فرمود: حال که چنین نامی بر دختری نهاده ای مواظب باش، هرگز او را دشنام ندهی! نام او نام عزیز و محترم است، همواره احترام نامش را داشته باش.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد، جایگاه مادر در ادیان الهی، به ویژه دین مقدس اسلام روشن گردید. نیز این نکته به دست آمد که مقام مادر در بینش دینی مقامی است بلند که در آیات قرآن هم ردیف اطاعت و عبادت خدا ذکر شده است. بر این اساس، بر فرزندان و همه نسل جوان لازم است که به این امر مهم توجه کنند و تا آن جا که می توانند به مادر احترام بگذارند و به او خدمت نمایند. به خصوص در کهن سالی باید نیازهای مادر را تأمین کنند؛ چون او در این سن و سال شدیداً احتیاج به کمک دارد. وظیفه عقلی و دینی فرزند است که به والدین در هر شرایط پاری رساند.

پی نوشت ها:

1. سوره ابراهیم (14) آیه 40.
2. جعفر میر عظیمی، حقوق والدین، قم، کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع»، 1369، ص 226.
3. سوره مریم (19) آیه 32.
4. قال ابن امّ القوم استضعفونی؛ گفت فرزند مادرم این گروه مرا در فشار گذاردند. (اعراف: 150)
5. و برا بوالدتی؛ مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده است. (مریم: 32)
6. و اوحینا الی امّ موسی؛ ما به مادر موسی الهام کردیم. (قصص: 7)
7. و الوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین؛ مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می دهند. (بقره: 233)
8. و امّهات نسائکم؛ مادران زنان شما. (نساء: 23)
9. بالوالدین احسانا؛ به پدر و مادران نیکی کنید. (بقره: 83)
10. سوره اعراف (7) آیه 27.

11. سوره لقمان (31) آیه 14.

12. سوره احقاف (46) آیه 15.

13. و قضی ربّک أن لا تعبدوا إلا اياه و بالوالدین احسانا؛ و پروردگارت فرمان داده، جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. (اسرا: 23).

14. محمد، محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، 1422 ق، ص 552.

15. سوره احقاف (46) آیه 15.

16. جعفر میر عظیمی، حقوق والدین، قم، کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع»، 1369، ص 321 - 370.

17. منتخب میزان الحکمه، ص 552.

18. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، چاپ 1380، 17، ج 1، ص 159.

19. بنت الشاطی، آمنه مادر محمد، ترجمه حسین اژدری آزاد، تهران، کتابفروشی آتروپارت، بینا، ص 112.

20. آمنه مادر محمد، ص 221؛ به نقل از حیات القلوب، ج 2، ص 35.

21. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دار الاضواء، الطبعة الثانية، 1413 ق، ج 2، ص 460 - 461.

22. سوره اسراء (17) آیه 23.

23. حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج 15، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب 87، ص 200.

نویسنده : محمد احسانی

حوزه